

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال سوم - شماره دوم - تابستان ۸۹ - شماره پیاپی ۸

یادداشتهای صدرالدین عینی و ارزشهای سبکی آن

(ص ۹۵ تا ۱۰۸)

آزیتا همدانی^۱

چکیده:

صدرالدین عینی (۱۳۳۳-۱۲۵۶هـ ش/ ۱۹۵۴-۱۸۷۸م.) یکی از بزرگترین و تأثیرگذارترین چهره‌های ماندگار زبان و ادب فارسی در تاجیکستان و «یادداشتهای» او به یقین مهمترین اثر ادبی قرنهای نوزدهم و بیستم این خطه است. برآستی ویژگی یادداشتهای صدرالدین عینی چیست که بزرگانی در ایران و جهان را به تحسین آن واداشته است؟ پاسخ این پرسش را خواننده آگاه از مطالعه این اثر ممتاز درمی‌یابد که مولف در سالهای پایانی عمر خود، با فاصله گرفتن از زمان وقایع، خاطره نگاشته‌های دوران کودکی و جوانیش را با زبانی شیرین و روان بتصویر میکشد و اطلاعاتی جامع از بخارای یکصد سال پیش را چنان بخواننده ارائه میدهد که میتوان آن را دانشنامه زبان و ادب تاجیکی دربخارای قرنهای نوزدهم و بیستم نام نهاد. زبان و شیوه نگارش اثر یادآور نثر تاریخ بیهقی و گلستان سعدی و آثاری از گورگی و بالزاک بوده و سبک اثر رئالیستی با لایه‌هایی ظریف از ایدئولوژی سوسیالیستی است که خط مشی کلی نویسندگان تحت نفوذ روسیه تزاری را در آن زمان نشان میدهد. در این مقاله برای نخستین بار در ایران، ارزشهای ادبی و زبانی این اثر سترگ و نمایی از زندگی فارسی‌زبانان فرارودی در دوره‌ای از زندگی نویسنده بررسی شده است.

کلمات کلیدی:

صدرالدین عینی، یادداشتهای، فرارود، ماوراءالنهر.

۱. مقدمه

«صدرالدین سعید مرادزاده عینی» عالم، ادیب، منتقد، شاعر، نویسنده، مورخ، زبان‌شناس و پدر ادبیات نوین تاجیکی، متولد ۱۸۷۸ و متوفی بسال ۱۹۵۴ یکی از بزرگترین نویسندگان و مبارزان راه تجدد و آزادی در فرارودست. او آثار زیادی در زمینه‌های علوم مختلف دینی، ادبی، تاریخی، خاطره‌نگاری، تذکره و لغت‌نویسی پدید آورده و تنها یادداشتهای او کافیت که او را بعنوان یکی از موفقترین چهره‌های ادبی تاجیکستان به ادبیات جهان معرفی نماید.

اهمیت یادداشتهای عینی از چه جهاتی است؟ سؤالی که ممکنست خواننده این مقاله با آن روبرو شود. از آنجا که یادداشتهای صدرالدین عینی به فارسی شیرین و کهن ایران نوشته شده است، لذا پاسخ ابتدایی آن، مطالعه اثرست و قضاوت خود خوانندگان و سپس مختصر توضیحات نگارنده که در این مقال و مجال اندک بگنجد. بطورکلی این اثر چهار جلدی که نخستین چاپ آن بین سالهای ۱۹۴۸ و ۱۹۵۳ انجام گرفته، مجموعه‌ایست از اطلاعات زبان‌شناسی و مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی و ادبیات و تاریخ منطقه‌ای از فرارود، در زمانی که سیاست آنرا از مام اصلی خود- ایران زمین- جدا کرده است. عینی در جلد اول آن به وصف زندگی کودکی خود در خانواده پدری و اطرافیان و دهی میپردازد که در آن زیسته و درس مکتب خوانده است. در جلد دوم چگونگی نوزده سال تحصیل را در مدارس بخارا توصیف میکند که اطلاعات بسیار سودمندی از اینجهت در این کتاب جمع‌آوری شده است. در جلد سوم چگونگی زندگی اجتماعی فارسی‌زبانان آن سوی جیحون (آمودریا) در بخارا و اطراف آن و وصف مشکلات اقتصادی و ضعف فرهنگی این مردم را نشان میدهد. این جلد دارای اطلاعات مفیدی از وضعیت ادبیات فارس - تاجیک و حرکت‌های نوگرایی بخصوص ادبیات انتقادی و وضعیت سیاسی آن زمان منطقه است و در جلد چهارم وقایع سیاسی - اجتماعی پدید آمده و زمینه‌های تجددطلبی و معارف‌پروری را در میان قشرهای مختلف جامعه بتصویر میکشد. نکته‌ای که خواننده این کتاب - والبتنه بیشتر آثار پدید آمده در آسیای مرکزی در دوران تسلط روسها - باید به آن توجه داشته باشد، تأثیر آموزه‌های سوسیالیستی و کمونیستی است که سبک رئالیسم تاریخی عینی را- که خود یکی از بنیانگذاران آن در آثار ادبی ماوراءالنهرست - در این

کتاب و بیشتر آثار او و البته هم عصرانش گاهی دچار لغزش و در برخی موارد زیاده‌روی میکند، اگر چه این موضوع از اهمیت ادبی و اجتماعی آثار عینی نمی‌کاهد. ابوالقاسم لاهوتی (۱) شاعر ایرانی در پیشبرد اهداف حزب کمونیست و جهت‌دهی به نویسندگان در تألیف آثارشان بر مرام حزب، نقش مؤثری داشته است. او که در آن زمان دبیر اتحادیه نویسندگان شوروی است، بلندگوی تبلیغاتی آنان میشود، اگر چه در مواقعی نیز از این موقعیت استفاده میکند و در جهت تثبیت و ترویج هویت زبان و ادب فارسی - تاجیکی نقش مهمی بازی میکند، بگونه‌ای که شاید اگر وساطت او نبود عینی به خاطر افکار تجددخواهیش در زندان استالین می‌مرد و یا کتاب مهم او - نمونه ادبیات تاجیک - که بنوعی مبارزه با نفوذ روسیه و ازبک‌گرایی بود، چاپ نمیشد. بدین ترتیب ادبیات پدید آمده بر اساس این مرام بدلیل سوسیالیست بودنش با ادبیات دیگر ملل جهان تفاوت پیدا کرد و این نمود نوعی از سبک ادبی را به نام رئالیسم سوسیالیستی پایه‌گذاری کرد که میتوان یادداشت‌های عینی را از این زاویه نیز بررسی و با دیگر آثار پدید آمده در این دوران مقایسه کرد، زیرا این اثر نقطه عالی رئالیسم‌گرایی با چاشنی سوسیالیستی است، اگر چه برخی محققان تاجیکی و غیرتاجیکی لزوم‌گرایی عینی به حزب سوسیالیست را در این کتاب رد میکنند. (۲)

اهمیت دیگر این اثر در بیان جزئیات زندگی نویسنده و وصف محیط اجتماعی او و تاثیر آثار است که مطالعه کرده است که بی‌قین میتوان گفت این سه منبع الهام نویسنده در آفرینش این کتاب و البته دیگر آثار او بوده است. ساده‌ترین نموده‌های زندگی، پدر او - سیدمراد خواجه - و قصه‌گوی دوران کودکی، آن پیرزن کهنسال، توت‌پاشا (۳) را شاید بتوان اولین سرچشمه‌های بیداری استعداد عینی دانست. پس از آن از خلق اطرافش، افراد دور و نزدیک، عوام و درس‌خوانده، پیشه‌ور و صنعتکار، مفتی و محتسب، مؤذن و امام، عالم‌نما و دیوانه‌نما، شاعر و شاعر‌نما، مجالس ادبی دوستان و ملایان، محافل بزم و سوگ و ... تجربه‌ها اندوخته و در این اثر یک به یک بتصویر کشیده است. مطالعه آثار کلاسیک و معاصر فارسی و تاجیکی و روسی و فرانسوی از دیگر سرچشمه‌های مهم و منابع مورد استفاده عینی در این اثر و دیگر آثارش است، از میان آثار فارسی تاریخ بی‌هقی، چهار مقاله نظامی عروضی، قابوسنامه و سیاستنامه، کلیله و دمنه، جوامع‌الحکایات، گلستان و بوستان سعدی، مثنوی مولوی و برخی آثار دوره مشروطه از جمله آثار بهار و دهخدا و عارف

قزوینی و از میان آثار دیگر بدایع الوقایع واصفی (۴) و نوادر الوقایع احمد دانش (۵) و برخی آثار ماکسیم گورکی (۶) و بالزاک (۷) را میتوان از جمله سرچشمه‌های ادبی او بشمار آورد (۸). یکی از ویژگی‌های این اثر توجه حیرت‌آور مؤلف آن به جزئیات است، بگونه‌ای که برای شناخت آن لازمست مسائلی در خصوص تاریخ آسیای مرکزی و وضعیت سیاسی و اجتماعی فرارود، شناخت قوم، زبان و ادبیات تاجیک و همچنین وضعیت خانوادگی، زندگی علمی و اجتماعی صدرالدین عینی برای خواننده روشن شود، اما از آنجا که وارد شدن به این مباحث هر کدام تحقیقی جداگانه خواهد بود، لذا در این مقاله به منظور تبیین کلی ارزشهای این اثر، در سه بخش و با عنوان ارزشهای ادبی، زبانی و جامعه‌شناختی یادداشتها به کلیاتی در این باره بسنده و سخن درباب دیگر موضوعات را به زمانی دیگر موکول میکنیم.

۲. پیشینه تحقیق

یادداشتها چنانکه باید در ایران، حتی در میان نسل تحصیل کرده شناخته نشده است و بنظر میرسد برای جامعه ادبی ایران این موضوع ضایعه‌ای بزرگ باشد، هرچند برخی از ادیبان و استادان در این باره غورهایی کرده و مختصر به معرفی آن پرداخته‌اند. محققانی چون سعید نفیسی، علی اصغر حکمت، خانلری و حبیب یغمایی در مجلاتی مانند سخن، پیام نوین، یغما و خوشه عینی را علامه و او را در ردیف بزرگانی چون امیر خسرو، نظامی و اقبال می‌شمرند و یادداشت‌های او را تمجید میکنند. (خانلری: ۱۳۲۳: ص ۶۱۷؛ حکمت: ۲۵۳۷: ص ۲۶۵؛ یغمایی: ۱۳۵۱: ص ۱۸)

حسین لسان یادداشتها را خواندنی و فرصتی مغتنم و نثر آن را یادآور نثر گیرای تاریخ بیهقی میدانند و معتقدست این کتاب بسیاری از ویژگیهای کهن نثر دری را چون ایجاز، فخامت و جزالت الفاظ برای خود حفظ کرده است. (لسان: ۱۳۷۲: صص ۱-۴)

شفیعی کدکنی نیز نسل معاصر را در کتاب شاعر آینه‌ها با او و آثارش در جملاتی مفید و مختصر آشنا کرد و خواندن یادداشتها را بسیار شیرین دانسته و آن را دریایی ارزشمند از اطلاعات تاریخی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و مذهبی بخشی از فرارود (ازبکستان و تاجیکستان کنونی) و گنجینه گرانمایی از واژگان، اصطلاحات و امثال زبان فارسی دری و

تاجیکی که دنیای امروز ما سخت به آن نیازمندست معرفی میکند. شفیع کدکنی همچنین معتقدست بررسی تمام جوانب این اثرکاریست که چندین متخصص از دیدگاههای مختلف باید آن را انجام دهند (شفیع کدکنی: ۱۳۶۶: صص ۹۳ و ۹۴).

بیشترین و عبارتی کاملترین مطلبی که تاکنون در ایران درباره یادداشتهای نوشته شده مقدمه سعیدی سیرجانی بر این کتابست. همان کسی که با چاپ این مجموعه در یک مجلد در ایران، آنرا به هموطنان ایرانی عینی معرفی کرد. او در این کتاب صدرالدین عینی را یکی از هموطنان همه ایرانیان معرفی میکند و مجموعه یادداشتهای او را شرح حال گونه‌ای از نویسنده با رعایت مصلحت زمان و موقعیت ممتاز او در مملکت شوراها میداند و آنرا با آثاری چون تاریخ بیهقی مقایسه میکند و خواندن آنرا بر هر فارسی‌زبانی واجب می‌شمارد (عینی: ۱۳۶۲: صص ۲۰ و ۲۱) اخیراً نیز ابراهیم خدایار درباب این اثر ارزشمند در لابلای برخی از تحقیقاتش مطالبی نوشته و این اثر سترگ را ستوده است (خدایار: ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴).

۳. ارزشهای ادبی یادداشتهای

یادداشتهای دربردارنده نوعی جدید از انواع ادبی یعنی اتوبیوگرافی - رمانست. خواننده، وقایع و شخصیت‌های این اثر را چون یک رمان دنبال میکند، در حین اینکه قهرمان واقعی اثر، نویسنده و اثر، قصه کامیابیها و ناکامیها و سرگذشت او از زبان خود اوست. هم خصوصیات شرح حال نویسی را دارد و هم رمان را. کل کتاب قصه در قصه است، قصه‌هایی واقعی و ملموس از زندگی اطراف که ما نیز هر روز نمونه‌هایی شبیه به آنرا میبینیم، با شرح دقیق جزئیات و بررسیهای موشکافانه مسائل. این کتاب از جهتی تاریخست و میتوان آنرا یک منبع تاریخی بحساب آورد؛ از طرفی تذکره و شرح حالست. خصوصیات روحی و رفتاری بیش از یکصد تن از عالم و عامی گرفته تا شاعر و تاجر در این کتاب کاویده شده است. از جهتی فرهنگ امثال و حکمتست. دربرگیرنده ضرب‌المثل‌های رایج، افسانه‌ها و حکایات، فلکلور و آداب و رسوم و معلومات دیگر. سبک کتاب رئالیسم تاریخیست، اگرچه تحت تاثیر سوسیالیسم. سبک نویسنده‌گی متقدمین چیره‌دست در این کتاب تأثیر زیادی داشته است.

از طرف دیگر میتوان این کتاب را نوعی گزارش‌نویسی و خاطره‌نگاشته نیز دانست و گزارش همواره بعنوان یک سند تاریخی قابل اعتمادست. تاریخ بیهقی و چهار مقاله نیز نوعی گزارش‌نویسی و از این جهت ممتازند، اما مسلماً عینی دقت و وسواس بیهقی را ندارد. گزارش یا روایت - نه حکایت - ویژگی مهم چهار مقاله نیز هست. بیان سرگذشتها که نویسنده خود دیده یا از این و آن شنیده است؛ البته ممکنست در تدوین و ساخت این سرگذشت اندکی راه مبالغه نیز پیموده شود که آن نیز از خصوصیت گزارش‌نویسی بدور نیست. انتخاب نثر توصیفی و غلبه عنصر شرح و وصف در تمامی حکایات و بخشها، علت دیگر گزارش خواندن این آثارست. نویسنده در این نوع نثر تمام قدرت زبان‌آوری خود را بکار میگیرد تا ماجرای را با آب و تاب بیشتری شرح دهد و گزارشهایی زنده و جاندار به یادگار گذارد که سرشار از تصویر و توصیف زنده است که ارتباط ما را با پیش از او برقرار میکند. کوتاهی مطلب، ایجاد تنوع و گوناگونی و نتیجتاً خواندنی‌تر کردن مطلب، این آثار را بهم نزدیکتر میکند (علی‌نژاد، ۱۳۷۷: صص ۵۴-۵۶).

برخی از خصوصیات ادبی این کتاب را میتوان بشرح زیر برشمرد:

توصیف جزء به جزء، نوع بیان و گفتار، تصویرسازی قوی، توصیف برخی رسوم بدور از اشارات زنده (مانند ختنه‌سوری) نهایت ایجاز، تشبیهات زیبا (مانند: شکوفه‌های درختان زردآلو مانند مرده‌های زنبور عسل بنظر میرسیدند...)، توصیف در ابتدای برخی بخشها و در واقع نوعی براعت استهلال (توصیف بهار: «بهار آمد، دوچه [زردآلوی نورس] ها از گل برآمدند، نوده [شاخه جوان] های توت‌های بلخی غوره بستند، درختان خشک توت برای خوارک کرمکهای پله [پپله] کلک [قطع] شده گرفتند...» ص ۶۰، نشر آگاه)، روانشناسی و روانکاوی دقیق شخصیتها، چهره‌شناسی، انسان‌شناسی، تفکیک دین از خرافه و ارائه درست دین‌پرستی، نقدهای گزنده، محافظه‌کاریهای جسورانه، علم‌پرستی، خرافه‌گریزی، پرده‌داری ریاکاریهای حکام و قضات، داستانپردازی، ذکر شرح حال شعرا و شخصیت‌های علمی که در کتابهای دیگر نشانی از آنها نیست و...

۴. ارزشهای زبانی یادداشتهای

زبان یادداشتهای در خور شگفتی و تحسینست. زبانی سرشار از واژه‌های شیوا و اصیل فارسی که بررسی مقوله زبان‌شناسی آن خود تحقیقی مفصل خواهد بود. شاید بتوان اذعان کرد که یادداشتهای آخرین اثر کامل و پل ارتباطی گویشهای فارسی امروز ایران و ماوراءالنهر است، مجموعه‌ای از لغات کهن فارسی و لغات پرکاربرد عامه مردم تاجیک و در برگیرنده ضرب‌المثلهای، حکایات، تعبیرات و گفته‌های عامیانه. این اثر با آثار ادبیات کلاسیک فارسی از نظر زبانی قابل مقایسه است، از جمله تاریخ بیهقی از نظر کاربرد عبارات و ترکیب و وقایع‌گویی و توصیف، چهارمقاله از نظر مختصر و مفیدگویی، مثنوی مولوی از جهت آمیختگی زبان گفتاری و نوشتاری، گلستان سعدی از نظر سهل و ممتنع‌گویی و حاجی آقای صادق هدایت از نظر زبان طنز آمیز هجوی. بکارگیری زبان مردم عامه همواره یکی از دغدغه‌های عینی بوده و آنرا چنان که دکتر رواقی مینویسد چشمه‌زاینده توانگری و توانمندی زبان میدانند (رواقی، ۱۳۸۳: ص ۶۹). استاد شکوری نیز معتقدست عینی بنیانگذار زبان‌شناسی نوین تاجیک و بنهایی یک فرهنگستان لغت بوده و روشن کرده است که زبان ادبی معیار باید به فهم عامه نزدیک باشد و لذا از واژه‌های مورد استفاده آنان، آثار خود را تکمیل میکند و اندوخته‌های لغوی - بغیر از آنچه که از مردم گرفته شده است - و نوع عبارات و ترکیبهای نحوی او دریایی از اطلاعات زبان‌شناسی فارسی - تاجیکی در یک قرن اخیرست و زبان او در نوشته‌هایش زبان معیار ادبی فارسی - تاجیکی بشمار می‌آید (شکوری، ۱۹۹۶: ص ۱۶).

در سه جلد اول یادداشتهای زبان به فارسی گرایش بیشتری دارد و در جلد چهارم بخصوص بخشهای پایانی گرایش بزبان روسی و کاربرد لغات و ترکیبات روسی و گاهی ازبکی مشاهده میشود. این موضوع در مختصر ترجمه حال خودم - که در واقع پایان‌بخش یادداشتهای، اما از آن جدا است - بوضوح قابل درکست، بگونه‌ای که رغبت خواننده فارسی‌زبان برای مطالعه این بخش پایانی بسیار کم میشود. همچنین در بادی امر، زبان اثر بخاطر کاربرد لغات و ترکیبات فارسی تاجیکی برای خواننده‌ای که با زبان عینی آشنا نیست ملال‌آورست، اما این دیر فهمی دیری نمیپاید و خواننده پس از مطالعه بخشهایی کوتاه از آن با زبان و بیان آن انس میگیرد و برای فهم برخی لغات سنگین آن دیگر نیازی به مراجعه

به فرهنگ لغت تاجیکی احساس نمیکند و چنانکه حبیب یغمایی مینویسد، درستست که بسیاری از لغات و تعبیرات این کتاب تاجیکیست، اما پیوستگی عبارات آن فارسیست، فارسی لطیف و آشنا که مطلبی نامفهوم نمی‌ماند (یغمایی، ۱۳۵۱: ۴۸۲). زبان این اثر بگونه‌ایست که کاربرد آنهم اکنون نیز در میان مردم تاجیک بقوت خود باقیست.

۵. ارزشهای جامعه‌شناختی یادداشتها

چنانکه اشارت رفت محققان این مجموعه را دانشنامه پایان قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم بخارا و گنجینه‌ای از زبان و فرهنگ مردم تاجیک میدانند (همان، ص ۱۸۱). این اثر یک دوره کامل از فرهنگ تاجیک را در کنار مسائل آموزشی، مذهبی، سیاسی و اقتصادی دربرمیگیرد. در این کتاب از هر چیزی با ظرافت و شیوایی سخن رفته و بیشترین امتیاز آن، نگاه جامعه‌شناختی مؤلف اثر پیرامون جامعه‌اش است. حبیب یغمایی این کتاب را زنده‌کننده خاطرات نسل کهنه ایران میداند که در آن بسیار شیرین و لطیف از هر در سخن رفته که همه‌اش خواندنیست و شخص را در زوایای بخارای یک قرن پیش گردش میدهد (یغمایی، ۱۳۵۱: ۴۲۸). تاریخ‌گونه بودن این اثر به‌مراه ذکر تمامی جزئیات جامعه‌شناسی یک منطقه، همچنین میزان نمود اجتماعی و فرهنگی زنان در این کتاب شباهت دیگر این اثر به تاریخ بیهقی را نشان میدهد. غیبت محسوس زنان چنان که میلانی مینویسد بیش و کم در تمامی متون تاریخی زمان بیهقی و به نظر نگارنده در دوره عینی نیز بارزست. در یادداشتها نیز چنانکه در تاریخ بیهقی، اشاره به زنان بیش و کم محدود به مواردیست که در مقام مادر، همسر و یا معشوق یکی از مردان محل اعتنا قرار میگیرند و میلانی غیبت زنان در متن تاریخی بیهقی را نمادی از غیبتشان در عرصه علنی اجتماع آن زمان میداند و این کتاب و کتابهای مشابه آن را از این لحاظ بعنوان مصداق بارز تاریخ مذکر معرفی میکند (میلانی، ۱۳۷۸: صص ۳۲ و ۳۳).

بررسی جامعه‌شناختی این اثر بدلیل پراکندگی بسیار زیاد اطلاعات آن کار چندان آسانی نیست. انبوهی از خاطرات که اغلب از جنبه ادبی نیز قابل بررسیست. این در حالیست که در جای جای کتاب، رئالیسم تاریخی عینی از سوسیالیسم‌گرایی او بسادگی قابل تفکیک نیست و یکی از مشکلات بررسی جامعه‌شناسی این اثر در همین پیچیدگی و تنیدگی

مطالب درهمست. در باب شناخت جامعه بخارا بر اساس این کتاب باید گفت بخارای قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم از بسیاری جهات شبیه ایران در همان زمانست. جامعه‌ای تنیده در قید سنتها و باورها و مواجه با نفوذ تدریجی نوگرایی و نهضت‌های تجدد مآبی. فرهنگ این جامعه شباهت بسیار زیادی به فرهنگ جامعه ایران در همان زمان دارد. خانواده‌ها بسیار سنتی با آداب و رسوم خاص و زنان بسیار محدود و در پستوها و دور از انظار هستند. همکاری اعضای خانواده و مردم با همدیگر در امور روزمره زندگی نکته قابل توجه جامعه سنتی و کشاورزی این منطقه است. «حشر» یکی از این نوع همکاریهاست که کشاورزان و کارگران، به هنگام پیشامدها به اختیار، و برای انجام امور شخصی سران دولتی به اجبار، بدون مزد به انجام کارهای گروهی فرا خوانده میشوند. مهمان‌داری یکی از اصول اولیه فرهنگ خانواده‌هاست که در حد توان و گاهی فراتر به آن پرداخته میشود. احوالپرسی و تعارفات - چنان که در فرهنگ ایرانی - دارای اهمیت ویژه‌ایست. «یک جوان با درآمد ما از جایش خیسته به ما سلام داد. هر دو یکدیگر را در بغل کشیده و اخوردی (احوالپرسی) کردند و از روی همدیگر بوسیدند. بعد از آن نشسته هر دو از سلامتی یکدیگر پرس و پاو کردند.» (ص ۲۳۷) تولد و نامگذاری و سنت حسنه طبق موازین اسلام و با تشریفات خاص برگزار میشود که در بیشتر موارد با فرهنگ ایرانی مشترک است. برخی خانواده‌ها به رساننده خبر تولد نوزاد سیونچی یا مژدگانی میداده‌اند: «در بخارا عادت این بود اگر زن کلانان زاید خدمتکارهاشان را به دوستانشان برای مژده‌رسانی میفرستادند. آن دوست به آن خدمتکار یگان چیزی مژدگانی (سیونچی) میداد.» (ص ۳۵۵) اسامی فرزندان نیز کاملاً و در بیش از ۹۸٪ برگرفته از فرهنگ اسلامست، افراد با القاب قبیله‌ای، خانوادگی، شغلی، موطن و گاهی با القاب ساختگی رایج شده در افواه مردم براساس فیزیک بدنی یا رفتاری شناخته میشوند. نمونه‌ای از کتاب یادداشتهای در این باره ذکر میشود: «عبدالرحیم بیگ یک آدم کوتاه‌قد فربه بود، مردم او را غوله دینگ میگفتند.» یا: «با وجود سن مختار خواجه بالاتر از شصت بودن، در ریشش تارهای سفید کم مینمود و بهمین دلیل مردم او را سیاه پیر میگفتند.» (ص ۵۷۷ و ۶۱۶) ازدواج طبق موازین شرعی و با آداب اسلامی از روز خواستگاری تا عروسی همراهست. مراسم عروسی پرهزینه است و گاهی تا روزها بطول می‌انجامد. انتخاب همسر معمولاً بخواست والدینست و داماد بعنوان مهریه

مبلغی را بصورت نقد به پدر دختر میپردازد. طلاق در این جامعه مذمومست و در این کتاب دیده نشد. سوگواری نیز کاملاً مطابق با دستورات شرع و شبیه مراسم رایج در ایران همان زمانست. در خصوص سرگرمیها و بازیها در ابتدا باید گفت جامعه ذکر شده در یادداشتها علیرغم مشکلات اقتصادی و نبود آزادیهای فردی و امکانات تفریحی اوقاتی را بشادای و سرگرمی اختصاص داده و با درآمدهای بسیار پائین مبالغی را در جشنها و سیرانگاہها (۷) خرج میکنند. سرگرمیها و بازیها در این جامعه به طبقه، مکان و زمان خاصی اختصاص ندارد و بیشتر مردم در فضای باز طبیعت ساعاتی از وقتشان را با آن میگذرانند. مردم علاقه بسیار زیادی به موسیقی شش مقام دارند و در تمامی بزرها و محفلهای دوستانه و حتی روشنگرانه موسیقیهای حرفه‌ای و ابتدایی برپاست. معمولاً موسیقی تاجیکی با خواندن غزلهای فارسی از شاعران ایرانی و تاجیکی از جمله سعدی، حافظ، کمال خجندی، هلالی، جامی و بیدل در دو هوای شاد و حزین با نوایی خاص همراهست که خود بدان نوای آسمانی نام مینهند. خوراک این مردم غالباً گوشت در پختهای مختلف و غلاتست که با توجه به طبقه اجتماعی افراد فرق دارد. آش پلو(برنج و گوشت با مقدار فراوان از روغن) اعیانی‌ترین و پیازآبه و شوربای نخود ساده‌ترین غذای آنانست. پوشاک جامعه سنتی ذکر شده در یادداشتها از زن و مرد و خردسال و بزرگسال تقریباً حالتی یکسان دارد که عبارتست از نوعی پیراهن و شلوار با عنوان «کرته لازمی» که بلندی و کوتاهی آن در زنان و مردان کمی متفاوتست. بیشتر مردم سرپوشی از نوع دستار یا کلاه و یا سرانداز بر سر دارند و مردان شال یا میان‌بندی نیز بر کمر مینهند. ضرب‌المثل در این جامعه چنانکه در فرهنگ ایرانی بسیار کاربرد دارد، در این زمینه در برخی موارد با ایرانیان اشتراک و در برخی موارد اختلاف دارند. نمونه نوع اول مانند: گرگ و کیل گوسفند شده است، درخت در یکجا سبز نمیشود و... و نمونه نوع دوم مانند: از گاو غدود(یعنی بدترین قسمت گوشت گاو که چربی زایدیست که به هر چیزی میچسبد). افسانه‌های این مردم برگرفته از حکایات تاریخی و تخیلی و قصه‌های جن و پریست که در بسیاری موارد با داستانهای ایرانیان شباهت تام دارد. از جمله این افسانه‌ها و قصه‌های مشترک، میتوان از قصه‌های: رستم و اسفندیار و سیاوش و ابومسلم یاد کرد و از جمله افسانه‌های خاص آنان میتوان به افسانه تیز‌گذر، افسانه مزار چهل دختران و... اشاره کرد.

آموزش در این جامعه بسیار ابتدایی و در قالب بسیار ناقص تشریح مآبی جلوه‌گراست که از شش سالگی در مکاتب شروع و تا حدود سی سالگی در مدارس دینی بخارا ختم میشود. سن رفتن به مدرسه از حدود دوازده سالگیست و نوزده سال تحصیل در مدارس بر مدار علوم فقهی و کلامی و صرف و نحو عربی و شرح متون قدیمی در گردشست. این در حالیستکه دیگر علوم مانند ادبیات، نجوم، ریاضیات، فلسفه و حتی علوم دینی در معنای واقعی آن از جمله تفسیر قرآن و احادیث نبوی و احکام اسلامی در شهری که زمانی ابوعلی سیناها را در دامن خود پرورش داده و مدارسی که به دینی بودن در جهان اسلام نام برآورده و بخارا را به بخارای شریف و قبه الاسلام مفتخر کرده توجیهی نمیشود. جالب اینجاست که طلبه فارغ‌التحصیل پس از سالها خواندن صرف و نحو عربی حتی در فهم زیر و زبر کلمات عربی ناتوانست.

بطورکلی مدار جامعه بخارای یک صد و بیست سال پیش بر پایه دین استوارست. حکومتداران در حمایت از شیوخ و علمای دین در استوار داشت پایه‌های سیاست میکوشند. آداب دینی کاملاً برگرفته از مذهب سنی حنفیست. نماز و روزه و حج جزء واجبات دینست، اگرچه عمل به آنها جز در میان عده معدودی صرفاً جهت تظاهر و ریاکاریست. خانقاهها بارزترین مکان جلوه‌های تشریح مآبی کاذبست، بگونه‌ای که شیوخ و مریدان در حرمسرداری و غارت اموال مردم از هیچ حيله‌ای فروگذار نمیکنند و قلندران شیادترین و پست‌ترین قشر جامعه و فریب‌کارترین دین مآبانند.

سیاست نیز بر پایه دین استوارست. در رأس حکومت امیر قرار دارد که امارت در خاندان او موروثی و سیاست او منحصر بداخل امارت بخارا و سیاست خارجی کاملاً تحت اراده دولت روسیه تزاریست. اقتصاد در این جامعه بر محور کشاورزی استوارست. پنبه و سپس غلات بیشترین محصول این نواحی را تشکیل میدهد.

۶. سخن آخر

آنچه بیان شد منظری کلی و بسیار مختصر از کتاب مفصل یادداشتهای صدرالدین عینی بود. هر یک از مباحث ذکر شده به بررسیهای دقیق و موشکافانه نیاز دارد. از آنجاکه جدایی قطعی ایران از فرارود در همین دوره اتفاق می‌افتد و این جدایی بخاطر پرده آهنین،

بی‌خبری مردم این دو منطقه را از نیمه دیگر بدنبال دارد، لذا یادداشتهای عینی یکی از کاملترین مکتوباتیست که ما را در جریان چگونگی زیست و تفکر و زبان و فرهنگ مردمی که هم فرهنگ ما هستند و به زبان ما سخن میگویند و چون ما میزیند در هنگام «زمان گمشده» قرار میدهد. مقایسه موارد جامعه‌شناختی این اثر با جامعه همان زمان ایران از جمله یکی از مهمترین راههای کشف بسیاری از اشتراکات و اختلافات دو جامعه از نظر پیشینه و زبان و دین و فرهنگ است که شاید در هیچ اثر دیگری به این گستردگی یافت نشود. بطورکلی آثار عینی و بخصوص یادداشتهای او یک پل ارتباطیست بین ایران و فرارود در قرن نوزدهم و بیستم و افسوس که مؤلف تا بیست و هفت سالگی خود را در این کتاب بتصویر کشیده و اگر تا پایان عمر هفتاد و شش ساله اش ساله اش جامعه و محیط اطرافش را توصیف میکرد شاید بسیاری از تاریکیهای فرارود روشن میگشت.

پی‌نوشتها:

- (۱). ابوالقاسم لاهوتی (۱۳۳۶-۱۲۶۴ه.ش/۱۹۵۷-۱۸۸۵م.) به سال ۱۹۲۱ به شوروی رفته و در ابتدا و انتهای اقامتش در آنجا و برای مدتی در تاجیکستان زندگی میکند و مسئولیتهایی از جمله مأمور عملیات نظامی در مرزهای چین و شوروی و نماینده آزادی خواهان آسیای مرکزی در کنگره مبارزه بر ضد فاشیسم و استاد دانشگاه مسکو و دبیر اتحادیه نویسندگان در شوروی و رئیس افتخاری آکادمی علوم و وزیر فرهنگ در تاجیکستان به او سپرده میشود. آرامگاه او در کاخ کرملین در کنار قبر لنین و استالین قرار دارد.
- (۲). کیت هیتچینس در این باره معتقدست که این کتاب تصویری جامع و گویا از زندگی مردم آسیای مرکزی در قالب نثر سنتی تاجیک را ارائه میدهد و سبک گرچه رئالیستی است، ولی لزوماً سوسیالیستی نیست و قهرمان پیشتاز داستانها خود عینیست، «ادبیات نوین تاجیک»، ص ۱۸
- (۳). توتو پاشا زن عموی پدر عینیست که با بیان قصه های جن و پری و قهرمانان تاریخی نقش بزرگی در بیداری ذهن عینی در کودکی داشته است.
- (۴). بدایع الوقایع کتابیست از زین الدین واصفی که هم عصر احمد مخدوم دانش بوده و کتاب او در دو جلد در تهران زیر نظر کمال عینی در سال ۱۹۷۱ چاپ شده است.

(۵). احمد مخدوم دانش معروف به احمد کله و موسوم به حکیم بخارا (۱۸۹۷-۱۸۲۶) عالم، نویسنده، شاعر، منجم، هنرمند و انقلابی تاجیک و مولف کتاب نوادر الوقایع تأثیری ژرف در بیداری استعداد عینی و انقلاب فکری او به جای گذاشت.

(۶). ماکسیم گورگی (۱۹۳۶-۱۸۶۸) نویسنده روسی و بنیانگذار ادبیات رئالیستی سوسیالیستی و منعکس کننده زندگی رنجبران در آثارش است که زندگی چون عینی داشته و عینی از آثار او و سبک رئالیسم سوسیالیستی اش تأثیر زیادی میپذیرد و برخی از آثارش، از جمله رمانهایش را به تقلید از آثار او مینویسد.

(۷). اونوره بالزاک رمان نویس فرانسوی (۱۸۲۶-۱۷۹۹) در آثارش منعکس کننده اوضاع اجتماعی زمان خود است. پرژی بچکا مینویسد: آثار عینی در شناساندن آسیای مرکزی همان نقشی را داشته است که آثار بالزاک در فرانسه که انگلس در اینباره گفته از رهگذر آن فرانسه را شناخته است.

(۸). براگینسکی، مؤلف روسی، نیز حیات را نخستین مکتب او، خلق و اندوه و شادی آنان و آنچه در لباس ادبی و شب‌نشینی‌های دوستانه بین شرکت‌کنندگان رد و بدل میشده را اولین معلم او و بیشتر از همه نظم کلاسیک فارس - تاجیک و بخصوص تاریخ بیهقی و بوستان و گلستان سعدی را منابع الهام او میدانند و مورد اخیر را در این باره مؤثرتر قلمداد میکند، حیات و ایجادیات صدرالدین عینی، ص ۸ و ۹ و ۱۲

(۹). سیر در معنی گشت و گذار است و سیرانگانه‌ها جاهای خاصیت که برای برپایی بازارهای محلی و برگزاری انواع بازیها در دامن طبیعت تعبیه میشود و میتوان از آن به پارک یا نمایشگاههای فصلی یاد کرد. زمان سیرانگانه‌ها در دو فصل بهار و تابستان و مکان آن در دو روستای فیض آباد و درویش آباد و یا ولایاتی از بخارا است.

فهرست منابع :

- ۱- انوشه، حسن [به سرپرستی] (بی تا)، دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، چ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲- بچکا، پرژی (۱۳۷۲)، ادبیات فارسی در تاجیکستان، ترجمه دکتر محمود عبادیان و سعید عبانزاد هجران دوست، چ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین المللی.
- ۳- براگینسکی، ا. س. (۱۹۶۸)، حیات و ایجادیات صدرالدین عینی، عرفان، دوشنبه: (سرلیک)
- ۴- تیروف، صاحب (۱۹۵۴)، صدرالدین عینی بنیانگذار ادبیات شوروی تاجیک، چ اول، استالین آباد: (سرلیک)
- ۵- حکمت، علی اصغر (۲۵۳۷)، یادای از عینی، یغما، س ۳۱، ش ۵.
- ۶- خدایار، ابراهیم (۱۳۸۴)، غریبه های آشنا، چ اول، تهران: موسسه مطالعات ملی.
- ۷- ----- (۱۳۸۲)، بیدل گرایی در محیط ادبی ماوراءالنهر، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، س ۶، ش ۱۲ (۷۲).

- ۸- ----- (۱۳۸۳)، صدرالدین عینی و بیدل دهلوی، پژوهش‌های ادبی، ش ۵.
- ۹- دیچز، دیوید (۱۳۷۹) شیوه‌های نقد ادبی، ترجمه محمد تقی صدقیانی و غلامحسین یوسفی، چ پنجم، تهران: علمی.
- ۱۰- رواقی، علی (۱۳۸۳)، زبان فارسی فرارودی، با همکاری شکیبا صیاد، چ اول، تهران: هرمس.
- ۱۱- سیف‌الله یف، عطا خان (۱۳۷۳)، «صدرالدین عینی»، سیم‌غ، س ۱، ش ۳ و ۴
- ۱۲- شکوری، محمدجان (۱۳۸۲)، جستارها، به کوشش دکتر مسعود امیرشاهی، چ اول، تهران: اساطیر.
- ۱۳- _____ (۱۹۹۶)، خراسان است اینجا، ترجمه بحرالدین علوی، چ اول، دوشنبه: پیوند.
- ۱۴- _____ (۱۹۵۶)، خصوصیت‌های غایبی و بدیعی یادداشتهای صدرالدین عینی، دوشنبه: (سرلیک).
- ۱۵- _____ (۱۳۸۴)، سرنوشت فارسی تاجیکی فرارود در سده بیست میلادی، چ اول، دوشنبه: دیوشتیج.
- ۱۶- _____ (۱۹۷۸)، صدرالدین عینی، چ اول، دوشنبه: عرفان.
- ۱۷- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶)، شاعر آینه‌ها، چ اول، تهران: آگاه.
- ۱۸- عینی، صدرالدین (۱۳۶۲)، یادداشتهای بکوشش سعیدی سیرجانی، چ اول، تهران: آگاه.
- ۱۹- کلباسی، ایران (۱۳۷۴)، فارسی ایران و تاجیکستان، چ اول، تهران: وزارت امور خارجه.
- ۲۰- کوثری، مسعود (۱۳۷۹)، تأملاتی در جامعه‌شناسی ادبیات، چ اول، تهران: مرکز زبان‌شناسی اسلام و ایران.
- ۲۱- گلدمن، لوسین (۱۳۷۱)، جامعه‌شناسی ادبیات، ترجمه محمد جعفر پوینده، چ اول، تهران: هوش و ابتکار.
- ۲۲- علی نژاد، سیروس (۱۳۷۷)، گزارش‌های جاندار هزار ساله، بخارا، س ۱، ش ۳.
- ۲۳- لسان، حسین (۱۳۷۲)، فارسی دری در آن سوی مرزها، آشنا، س ۲، ش ۱۰.
- ۲۴- معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ معین، بخش اعلام، چاپ هشتم، تهران: امیرکبیر.
- ۲۵- میلانی، عباس (۱۳۷۸)، تجدد و تجدد ستیزی در ایران، چ اول، تهران: آتیه.
- ۲۶- نائل خانلری، پرویز (۱۳۲۳)، یک نویسنده تاجیک، سخن، ش ۸.
- ۲۷- نفیسی، سعید (۱۳۳۰)، زبان فارسی در تاجیکستان، آموزش و پرورش، س ۲۵، ش ۱.
- ۲۸- _____ (۱۳۴۳)، تاریخ ملت تاجیک، پیام نوین، ش ۱۲ و ۱۱، دوره ۶.
- ۲۹- هیتچینس، کیت (۱۳۶۸)، ادبیات تاجیک از انقلاب اکتبر تا دوره استالین زدایی، ترجمه ص. شهبازی، ادبستان، ش ۳.
- ۳۰- _____ (۱۳۶۸)، ادبیات نوین تاجیک (بخش اول تا آغاز انقلاب اکتبر)، ترجمه ص. شهبازی، ادبستان، ش ۲.
- ۳۱- یاحقی، محمد جعفر، (۱۳۷۸)، جویبار لحظه‌ها، چاپ اول، تهران: جامی.
- ۳۲- یغمایی، حبیب (۱۳۵۱)، شرح حال عینی، یغما، س ۲۵، ش ۸.
- ۳۳- یغمایی، حبیب (۱۳۵۱)، صدرالدین عینی شاعر و نویسنده تاجیکستان شوروی، یغما، س ۲۵، ش ۸.
- ۳۴-